

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۱۳ دسمبر ۲۰۱۱

## وقایع و حوادث قبل از قیامت

### بخش سوم

در بخش قبلی از موجودی به نام دجال که خداوند غرض امتحان بنده هایش به او قدرت معجزه گری که به محمد نداده بود به او اعطا می نماید تا این بنده های عاجز و ناتوانش را که در موجودیت و آمدن خود در این دنیا هیچ سهمی نداشتند بیازماید و این نشان دهنده آن است که خداوند با خلقت دجال و این همه مشکلات برای بشرت همان زمان نمی دانسته که بندگان در مقابل دجال و معجزه هایش چه عملی را انجام خواهند داد؟ فکر می کنم عوض خلق نمودن این همه دجال و جنجال و بی سرو سامانی افراد بشر، آمدن مسیح و کشتن دجال کمی بهتر بود کمی در باره بندگان خود مطالعه می نمود شاید می توانست بفهمد که آن‌ها چی خواهند کرد؟ و از خلقت این همه ماجرا منصرف می شد؟؟

جالبترین و مسخره ترین نوشته و معلومات در باره دجال را می توان در جلد سوم کتاب تاریخ ادیان جهان صفحه ۲۸۶ تألیف استاد عبدالعظیم رضائی خواند و آن چنین است:

دجال یا وحش یا مرد شریر از در یا بالا می آید. ده شاخ و هفت سر دارد و بر شاخهایش ده افسر «تاج» و بر سر آن‌ها نامهای کفر است. او شخصی است که از دریای عالم بشریت ظاهر خواهد شد. دجال از هاویه «گودال آتش» بیرون نمی آید ده شاخ به معنی ده پادشاه و هفت سر نشانه ای حکومت و قدرت کامل و ده تاج ده پادشاه میباشد» کتاب دانیال ۲۴/۷» در آیت ۲ دانیال می گوید:

«اژدها قوت خویش و تخت خود و نیروی عظیمی به وی داد» یعنی قدرت دجال از طرف شیطان است و در حقیقت او تجسمی از شیطان خواهد بود در زبان یونانی دجال را ضد مسیح می نامند. پولس رسول در مورد عیسی مسیح و دجال چنین می گوید: زنهاری کسی شما را نفریبید زیرا تا آن ارتداد واقع نشود و آن مرد شریر یعنی فرزند هلاکت که همان دجال یا ضد مسیح است تا ظاهر نگردد جمع شدن ما به نزد عیسی مسیح نخواهد آمد زیرا دجال با خدا و مسیح مخالفت نموده خود را خدا خواهد نامید. «دوم تسالو میکیان باب ۲ آیه‌های ۱ تا ۴» آیت ۵ می گوید: چهل و دو ماه که همان زمان مسیحیت عظیم است دجال همه را مجبور به پرستش خود خواهد کرد.

وحش دومی که نبی «پیامبر» کاذب است دو شاخ مانند بره دارد و مانند اژدها تکلم می کند این دجال به محض باز کردن دهان معلوم می شود که از طرف شیطان است او نبی کاذب و سخنگوی دجال میباشد» «آیت ۱۱» این سه یعنی اژدها که همان شیطان است وحش اول «دجال» و نبی کاذب یک اتحاد سه گانه به وجود می آورند که تقلیدی از پدر – پسر و روح القدس است . «آیت ۱۶» آنان همه را از کبیر و صغیر، دولت مند و در ویش، غلام و آزاد و اداری می کنند تا بر پیشانی خود نشانی بگذارند وقتی که عیسی مسیح از آسمان می آید این اتحاد سه گانه شیطان، دجال و نبی کاذب را به دریاچه آتش خواهد انداخت «مکاشفه ۲۰/۱۹» . این نوشته ای از تاریخ ادیان را در قسمت اخیر مبحث فوق به ارتباط دجال که در مغایرت کامل با احادیث نبوی و گفتار مسلمانان قرار دارد آوردم تا تجسمی از این جانور خیالی از دیدگاه محمد و عیسویان در ذهن داشته باشیم.

ابو هریره از قول محمد روایت کرده است که او گفت : در هنگام فرا رسیدن روز قیامت مسلمانان به یهودیها حمله خواهند کرد و آنها را خواهند کشت . هنگامی که مسلمانان در صدد کشتن کلیمی ها بر می آیند اگر آنها پشت یک سنگ و یا درختی خود را پنهان کنند آن سنگ و یا درخت می گوید : (ای مسلمانان. ای بندگان الله اینجا یک نفر یهودی پشت من پنهان شده است بیایید او را بگیرید و بکشید) این سنگ و یا درخت تنها محل پنهان شدن یهودی را به مسلمانان نشان نمی دهد بلکه امر به کشتن آن هم می دهد ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟ تنها درختی که این کار را نخواهد کرد درخت تاجریزی است زیرا این درخت به یهودیها وابسته میباشد.

دجال – یاجوج و ماجوج بیرون آمدن خورشید از مغرب و پیدا شدن جانوری عجیب و غریب از موضوعاتی دیگری است که نمی توان بدون مکتب روی آنان این بحث را خاتمه داد. پس مختصراً از آنها هم یاد خواهیم داشت و ببینیم آن وقایع چطوری اتفاق می افتند و یا چه شکلی پدیدار می شوند و ..... فقط یک تعداد این احادیث را نوشته و از ذکر تمامی آن که به ذات خود یک کتاب جداگانه خواهد شد منصرف می شوم و حال می پردازم به موجوداتی به نام یاجوج و ماجوج که البته در قرآن هم راجع به این موجودات آیتی موجود است که به شرح مختصر درین باره خواهم پرداخت.

زمانیکه حضرت عیسی قبل از وقوع قیامت از آسمان به زمین فرود می آید و موجود عجیب الخلقه ای به نام دجال را می کشد . طایفه دیگری که عجیب تر است به نام یاجوج و ماجوج مثل مور و ملخ از جایهای خود بیرون آمده و بر روی کره زمین می ریزند . یاجوج و ماجوج دو برادر ترک از فرزندان «یافت» پدر ترکها یکی از پسران نوح بوده و پس از طوفان نوح فرزندان و نسل های بیشماری از آنها به جا مانده است . طایفه یاجوج و ماجوج حیوان نبوده و دارای چهره های مثل بشر هستند و تمام شان پا برهنه بوده و هیچ دینی ندارند و خدا را نیز نمی شناسند (قصص الانبیا – مولانا محمدجویری) طایفه های یاجوج و ماجوج به فرمان الله مجبور شده اند پشت سدی که به دستان سکندر – ذوالقرنین احداث شده (و در پایان این مبحث از او هم صحبت خواهم نمود) زندگی نمایند تا این که الله در زمان ظهور عیسی دستور می دهد آنها از جایگاه خود خارج شوند . در قرآن در آیات ۸۴ تا ۹۸ سوره کهف در باره یاجوج و ماجوج صحبت شده است . شرح این آیات را در بخش ذوالقرنین خواهید خواند.

الله در آیات ۹۶ تا ۹۷ سوره انبیا می گوید :

(تا روزی که راه یاجوج و ماجوج باز شود و آنها از جهت های پست و بلند زمین شتابان در آیند آنگاه وعده الله بسیار نزدیک می شود و ناگهان چشم کافران از شگفت بدون حرکت فرو ماند و فریاد بر آورند «ای وای بر ما که ازین روز غافل بودیم و سخت بر راه ستمگاری شتافتیم» ) ابو هریره از قول محمد روایت کرده است که او گفت : یاجوج و ماجوج صد ها سال است هر روز کوشش می کنند سدی را که در راه عبور شان قرار دارد بشکنند و یا از

آن بالا روند و در نقاط دیگر روی زمین به حرکت در آیند ولی زمانی که شکافی در آن سد ایجاد می‌شود و نور خورشید از آن سد پدید می‌آید کار فرمای کارگران می‌گویند به خانه‌های خود باز گردند و فردا به کار خود ادامه دهند ولی بامداد روز بعد که برای ادامه کار می‌آیند مشاهده می‌نمایند که شکاف سد بسته شده و سد مذکور محکم تر از سابق شده است این کار به اندازه‌ای ادامه پیدا می‌کند تا زمانی که الله میل کند آن‌ها را در نقاط روی زمین پراکنده سازد. بنا براین روزی که کار فرمای کارگران مشاهده می‌کند که شکافی در سد به وجود آمده به کارگران شکستن سد می‌گوید: کار را تعطیل کنید و بخانه های خود بروید تا (انشاءالله) فردای آنروز کار را ادامه دهند با توجه به این که کار فرما کلمه انشاءالله را گفته وقتی که کارگران فردای آن روز غرض شکستادن سد حاضر می‌شوند، مشاهده می‌کنند سوراخی را که دیروز ایجاد نموده بودند به همان شکل است و تغییری در آن وارد نشده. بدین ترتیب آن‌ها موفق می‌شوند سد را از بین بردارند و مانند مور و ملخ به جان مردم بریزند. آن‌ها در هر جا پا می‌گذارند گیاهان را از ریشه نابود می‌کنند و به هر فردی دست می‌یابند خونس را می‌ریزند و در همه جا فساد، هرج و مرج، کشت و کشتار گسترش می‌دهند.

یاجوج و ماجوج عیسی و یارانش را محاصره می‌کنند و قحطی و تنگدستی آنچنان رواج می‌یابد (که سر گاوی برای آنها بیشتر از یکصد دینار ارزش خواهد داشت). «بین کثیر - علامات قبلی قیامت»

ملا محمد باقر مجلسی در کتاب بحار الانوار صفحه ۳۶۴ چنین نوشته است (چون آخر الزمان فرا رسد سدی که در برابر یاجوج و ماجوج است هموار می‌شود و یاجوج و ماجوج از هر بلندی با سرعت به زیر می‌آیند و یاجوج و ماجوج امتی است که دارای چهار صد طایفه است و هیچ مردی از ایشان نمی‌میرد تا هزار فرزند پدید آورد. امت های یاجوج و ماجوج سه صنف دارند. صنفی از ایشان مانند دیوار بلندند و صنفی از ایشان طول و عرض شان مساوی است. و هیچ کوه و آهنی در میان ایشان نمی‌ایستد و صنف دیگر یک گوش خود را فرش می‌کنند و دیگری را لحاف خود و از کنار هر فیلی و شتری و خوکی و سایر حیوانات که می‌گذرند آن‌ها را می‌خورند. (مقمه این قوم در شام خواهد بود و ساقه ایشان در خراسان و نهر های مشرق و در یا چه مازندران را آخر می‌کنند.) محمد گفته است :

یاجوج و ماجوج تیر های خود را به آسمان پر تاب می‌کنند و سپس آن‌ها در حالی که پر از خون شده‌اند به زمین باز می‌گردند. با این فتنه های یاجوج و ماجوج بلا، مصیبت، فساد همه جا را فرا می‌گیرد افراد طایفه یاجوج و ماجوج همچنین هر چه را از خوردنی و آشامیدنی بر راه خود بیابند می‌خورند و می‌آشامند به گونه ای که مردم از گشنگی و تشنگی و قحطی در شرف مرگ قرار می‌گیرند و رو بهمرفته ارمغان یاجوج و ماجوج برای مردم دنیا وحشت، فساد و زیان است. مردم دنیا از وجود یاجوج و ماجوج و کردار تجاوز آمیز و ویرانگر آن‌ها به ترس و هراس می‌افتند و به خانه‌ها و محل های سکونت خود فرار می‌کنند و حیوانات شان را با خود می‌برند. گروهی از آن‌ها از نزدیک رود خانه‌ها می‌گذرند و آب آنرا یکجا می‌آشامند به گونه‌ای که رود خانه‌ها خشک می‌شوند. افرادی که از آن پس از نزدیک آن رود خانه‌ها می‌گذرند می‌گویند:

گویا زمانی در این جا رود خانه‌ای وجود داشته است. پس از این اقدام‌های تجاوز کارانه و خانمان بر انداز رهبران یاجوج و ماجوج می‌گویند: این افرادی که ما حساب شان را رسیدیم ساکنان زمین بودند اکنون ما باید به سوی آسمان رو کنیم و به حساب موجودات آسمانها نیز رسیدگی نمائیم. آنگاه عیسی مسیح و یارانش به درگاه الله دعا می‌نمایند که به ستمگری های یاجوج و ماجوج پایان دهد. و الله دعای عیسی را قبول و حشره هائی را مأمور خواهد کرد تا به پشت گردن های این افراد نیش بزنند و آن‌ها را بکشند و به گونه‌ای که در بامداد روز بعد هیچ یک

از آن‌ها زنده نخواهد ماند پس از نابود شدن یاجوج و ماجوج عیسی و یارانش مشاهده می‌کنند که تمام نقاط روی زمین از بوی گندیده و تهوع آور اجساد یاجوج و ماجوج غیر قابل تحمل شده است از اینرو عیسی و یارانش برای از بین بردن بوی بسیار بد اجساد آن‌ها به درگاه الله دست به دعا بر میدارند و الله دعاهای آن‌ها را پذیرش می‌کند و پرنده‌هایی که شبیه گردن‌های شتر هستند به زمین می‌فرستد و آن پرندگان اجساد یاجوج و ماجوج را با منقار خود بر می‌دارند و به محلی که الله فرمان می‌دهد می‌اندازند و سپس الله بارانی از آسمان فرو خواهد فرستاد که تمام روی زمین و خیمه‌ها را شست و شو خواهد داد و زمین را مانند آئینه خواهد کرد آنگاه به زمین فرمان داده خواهد شد تا دو باره به باروری و برکت خود برای آدمیان ادامه دهد. در اجرای فرمان الله زمین چنان بارور خواهد گردید که بزرگی یک دانه انار به اندازه‌ای خواهد شد که گروهی از افراد مردم تنها با خوردن یک دانه انار سیر می‌شوند و زیر پوست آن می‌توانند خیمه بزنند و زندگی بکنند. گاو‌ها و گوسفندان آنچنان پرشیر خواهند شد که هر اندازه مردم شیر آن‌ها را بیاشامند باز هم شیر فراوانی باقی خواهد ماند در این هنگام الله بادی خواهد فرستاد که همه جا و حتی زیر بغل افراد مردم را خوشبو خواهد کرد. پس از آن الله جان همه مسلمانان را خواهد گرفت و تنها افراد شریک و بدکار باقی خواهد ماند و مانند الاغ با یکدیگر عمل زنا انجام می‌دهند که به دنبال آن روز قیامت فرا خواهد رسید.

همچنان حدیثی دیگر روایت شده که : مسلمانان به مدت هفت سال از بقایای اسلحه، کمان، تیرها و ابزار جنگی یاجوج و ماجوج به عنوان سوخت استفاده می‌کنند

مسأله دیگر که به سراغ آن باید رفت طلوع خورشید از مغرب است. درین زمینه قرآن به شکل مستقیم و آشکار به طلوع خورشید از مغرب به وقت فرا رسیدن قیامت اشاره نکرده است ولی محمد در چندین حدیث به شکل واضح گفته است که پیش از رسیدن قیامت خورشید از مغرب طلوع می‌کند و همچنان مفسرین قرآن و حدیث نویسان مشهور و نویسندگان باور دارند که در قرآن آیاتی وجود دارد که به گونه غیر مستقیم به طلوع خورشید از مغرب اشاره میکند.

ابوذر همچنین روایت می‌کند: محمد از من پرسش کرد آیا می‌دانی که هنگامی که خورشید غروب می‌کند به کجا می‌رود؟؟ من پاسخ منفی دادم. او افزود «خورشید آنقدر به مسافت خود ادامه می‌دهد تا به زیر عرش الله برسد. و در آنجا در برابر الله به سجده می‌افتد و سپس برای طلوع دوباره از او اجازه می‌گیرد ولی زمانی خواهد رسید که هنگامی که خورشید در مسافت روزانه خود به زیر عرش می‌رسد الله به او فرمان می‌دهد به همانجائی که آمده است باز گشت کند. آن زمان هنگامی خواهد بود که خورشید باید از مغرب طلوع کند و افراد زشت کار و غیر مسلمانی که این رویداد غیر عادی را به چشم می‌بینند کوشش می‌کنند به الله و اسلام ایمان بیاورند ولی پیشیمانی آن‌ها از ناباوری شان با آنچه که در پیش در باره این رویدادها به آنان گفته شده بود سودی نخواهد داشت. (صحیح بخاری کتاب الخلق- ج ۴ ص ۱۳۱)

ادامه دارد

ادامه دارد